کشف عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی زوجین ایرانی: یک مطالعه کیفی

نگار بهمنی[1]، عذرا اعتمادی[2]، سید احمد احمدی[3]، مریم فاتحی زاده[2]

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: به نظر می‌رسد که سرخوردگی زناشویی، آخرین مرحله روابط زناشویی است. از این‌رو، بررسی عوامل مؤثر بر این متغیر اهمیت فراوانی دارد. هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی در بین زوجین ایرانی بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به لحاظ هدف، بنیادی و از نظر روش، یک طرح کیفی از نوع نظریه مبنایی بود. جامعه آماری پژوهش را زنان و مردان متأهل شهر تهران تشکیل دادند. داده‌های مورد نیاز به روش نمونه‌گیری هدفمند از بین افرادی که دچار سرخوردگی زناشویی شده بودند (۱۵ نفر)، جمع‌آوری گردید و تا اشباع مقوله‌ها ادامه یافت. ابزار پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته بود و اطلاعات با استفاده از کدگذاری نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: این مطالعه به لحاظ هدف، بنیادی و از نظر روش، یک طرح کیفی از نوع نظریه مبنایی بود. جامعه آماری پژوهش را زنان و مردان متأهل شهر تهران تشکیل دادند. داده‌های مورد نیاز به روش نمونه‌گیری هدفمند از بین افرادی که دچار سرخوردگی زناشویی شده بودند (۱۵ نفر)، جمع‌آوری گردید و تا اشباع مقوله‌ها ادامه یافت. ابزار پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته بود و اطلاعات با استفاده از کدگذاری نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: سرخوردگی زناشویی زوجین تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر، روان‌شناختی و شخصیتی مختلفی قرار دارد. از این‌رو، توجه به عوامل متفاوت سرخوردگی زناشویی در مشاوره و درمان زوجین دارای این اختلال ضروری است و پژوهش حاضر می‌تواند راهنمای مناسبی برای درمانگران جهت ارایه مداخلات مناسب برای زوجین دچار سرخوردگی باشد.

واژه‌های کلیدی: سرخوردگی زناشویی، زوجین، مطالعه کیفی، ایران

ارجاع: بهمنی نگار، اعتمادی عذرا، احمدی سید احمد، فاتحی زاده مریم. **کشف عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی زوجین ایرانی: یک مطالعه کیفی.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۶؛ ۱۵ (۴): ۴۷۳-۴۶۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۳ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۸/۱۲

مقدمه

حفظ و تداوم خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، کانون رشد و تکامل و التیام و تغییر و تحول آسیب‌ها و عوارض می‌باشد که هم بستری برای شکوفایی و هم فروپاشی روابط میان اعضایش است (۱). در یک ازدواج توأم با رضایت، نیاز به تفاهم در خصوص نقش‌ها، هویت‌ها و سایر عوامل مؤثر در زندگی زناشویی احساس می‌گردد (۲). ارتباط مؤثر، شرط لازم برای سلامت روانی و عاطفی، شادی و ثبات زناشویی است (۳).

یکی از مشکلات اساسی و واقعی آن است که افراد بسیاری روابط زناشویی را به طور کامل بر پایه عشق بنا می‌کنند و به این نکته توجه نمی‌کنند که شاید در طول زمان از شدت و گرمی این عشق کاسته شود (۴). عوامل متعددی روابط زناشویی بین زوجین را در گذر زمان تهدید می کند و سبب فرسایش عشق و صمیمیت میان همسران می‌گردد و یکی از این عوامل، تأثیر توقعات و انتظارات می‌باشد؛ توقعاتی که به دنبال عشق رؤیایی به وجود می‌آید، همیشه جزیی از اعتقادات شخصی است. این توقعات ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه، آشکار یا پنهان، فردی یا دوطرفه باشد (۵). هنگامی که توقعات عاشقانه محقق نشود، احساس ناکامی و سرخوردگی به طور مستقیم به همسر نسبت داده می‌شود و سبب تحلیل رفتن عشق و تعهد می‌گردد و دلزدگی (Burnout) و سرخوردگی زناشویی (Marital disaffection) جای عشق را می‌گیرد (۶). تمام تعاریف مفهومی سرخوردگی با مفهوم طلاق عاطفی همبودی دارد. سرخوردگی زناشویی، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی زوجین به یکدیگر و جایگزینی عواطف منفی به جای عواطف مثبت همراه می‌باشد (۷). این سرخوردگی زناشویی در نوع شدید، منجر به فروپاشی رابطه می‌شود (۸).

سرخوردگی به معنی جایگزین شدن عواطف خنثی به جای مثبت (۹) و شاخص کاهش احساس علاقه همسران نسبت به یکدیگر است (۱۰).

۱- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۳- استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
نویسنده مسؤول: عذرا اعتمادی
Email: o.etemadi@edu.ui.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.4.10.5]

سرخوردگی درباره کیفیت ارتباط متقابل زوجین، سبک‌های ارتباطی آن‌ها، شیوه‌های حل مسأله، سطح تعهد و... چیزی به ما نمی‌گوید، اما این مسایل جنبه‌هایی از ازدواج محسوب می‌شوند که شاید اثرگذار یا تحت تأثیر سرخوردگی زوجین قرار می‌گیرند (۱۱).

مفهوم دیگری که در کنار سرخوردگی مطرح می گردد، دلزدگی زناشویی است. دلزدگی عبارت از حالت خستگی جسمی، ذهنی و هیجانی، مسخ شخصیت و افت عملکرد شخصی است (۱۲). دلزدگی هنگامی بروز می‌کند که زوجین متوجه می‌شوند با وجود تمام تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنی نداده است و نخواهد داد. دلزدگی از عشق یک روند تدریجی است و به ندرت به طور ناگهانی بروز می‌کند (۱۳). دلزدگی وضعیت ناراحت کننده‌ای است که از عدم تناسب میان توقعات و واقعیات ناشی می‌شود و میزان آن به میزان سازگاری زوج‌ها و باورهایشان بستگی دارد. دلزدگی می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد و با از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی همراه شود (۱۴). هنگامی که شخص در پاسخ به استرس مدت دار و درد و فشار جسمی، روانی و عاطفی، جدایی از کار و دیگر روابط معنی‌دار قرار می گیرد که نتیجه آن کاهش قدرت بهره‌وری است، دلزدگی زناشویی بروز می‌کند (۱۵).

از آن‌جا که دلزدگی زناشویی کاهش عشق و علاقه و افزایش رفتارهای خصمانه را به دنبال دارد، می‌تواند به نارضایتی زناشویی منجر شود و بنیان خانواده را متزلزل سازد (۱۶). تأثیرات جسمی ناشی از دلزدگی، دامنه وسیعی از عوارض شامل سردردهای مزمن و بی‌خوابی تا ناراحتی‌های معده و روده، کاهش عملکرد سیستم ایمنی بدن، اختلالات ماهیچه‌ای و از پا افتادگی جسمی را در برمی‌گیرد (۱۷). با توجه به تعاریف مذکور، می‌توان گفت که دلزدگی مرحله اول سرخوردگی زناشویی است که با احساس خشم و ناامیدی از وضعیت موجود آغاز می‌شود و به تدریج فرد را به سمت عدم رضایت سوق می‌دهد (۱۸). دلزدگی و به دنبال آن سرخوردگی در زندگی زناشویی، حالت غم‌انگیزی می‌باشد و رابطه افرادی که انتظار داشتن عشق و علاقه به زندگی شان معنا دهد را خراب می‌کند. زوجین سرخورده و دلزده از نظر جسمی، عاطفی و روانی از یکدیگر دور می‌شوند و هیچ لذتی در رابطه‌شان وجود ندارد. به صورت مداوم از نظر جسمی خسته هستند و اعتقاد دارند که مسایلشان غیر قابل حل باقی خواهد ماند. سرخوردگی و دلزدگی زناشویی روابط هر یک از زوجین را با خانواده‌های اصلی و جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به استرس، ناامیدی و یأس برای هر یک از آنان می‌شود (۱۹).

Kersten در پژوهش خود به این نتیجه رسید که از میان عوامل مؤثر بر سرخوردگی، چهار عامل بیشترین تأثیر را بر سرخوردگی دارد که شامل «شیوه‌های نامناسب حل تعارض، وجود یک همسر کنترل‌گر، اسنادهای مکرر همسر برای مشکلات زناشویی و فقدان صمیمیت عاطفی» می‌باشد (۲۰). Parker رویدادهای محرکی که در شروع مرحله اول سرخوردگی زناشویی (دلزدگی) نقش دارد را در ۲۰ طبقه فهرست کرد که شامل «رفتار کنترل‌گرانه همسر، فقدان مسؤولیت پذیری، سوء رفتار همسر، دیگر ویژگی های نامطلوب همسر، ارتباط همسر با فرزندان، رویدادهای پراسترس، شخصیت تغییر یافته پاسخگو، هوشیاری، آگاهی پاسخگویان نسبت به ناسازگاری، عدم تناسب، امور خارج از زناشویی همسر، فقدان خودافشایی همسر، خشونت فیزیکی همسر، امور خارج از زناشویی پاسخگو، دخالت خویشاوندان، جدایی فیزیکی (جسمی)، ارزیابی منفی از ازدواج فرد توسط افراد غریبه و بحث در مورد جدایی از همسر» بود (۲۱).

نتایج مطالعه پیرفلک و همکاران نشان داد که دلزدگی در طول زمان، سبب کاهش منابع انرژی فردی از جمله خستگی هیجانی، دلزدگی عاطفی، خستگی جسمی و درماندگی شناختی می‌گردد (۵). کبریت‌چی و محمدخانی در پژوهش خود طرحواره‌های ناسازگار اولیه را به عنوان پیش‌بینی کننده‌های مناسبی برای دلزدگی زناشویی عنوان کردند (۲۲). در بررسی تحقیقات محدود صورت گرفته در خصوص سرخوردگی زناشویی و دلزدگی زناشویی، توافق دوجانبه (۲۳)، حمایت زوجین، صداقت دوجانبه و تحریف‌های شناختی بین فردی (۲۴) به عنوان عوامل پیش‌بینی کننده میزان دلزدگی زناشویی مطرح گردید. در ضمن، عواملی همچون جنسیت، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان و سطح تحصیلات نیز میزان دلزدگی و سرخوردگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲۵).

با توجه به این که سرخوردگی زناشویی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه دارد و با در نظر گرفتن این نکته که تاکنون با وجود توجه به ابعاد مختلف زندگی زناشویی، مسأله سرخوردگی زناشویی کمتر مورد بررسی دقیق و همه جانبه قرار گرفته است و از آن‌جا که بررسی سرخوردگی زناشویی و ابعاد مختلف آن می‌تواند در شناخت بهتر این پدیده و پیشگیری و درمان آن مؤثر باشد، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی انجام گردید.

مواد و روش‌ها

این تحقیق به روش کیفی و بر پایه راهبرد نظریه مبنایی صورت گرفت. نظریه مبنایی به عنوان روش، نوعی پژوهش در عرصه می‌باشد و پژوهش در عرصه نیز نوعی پژوهش کیفی است که محقق پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و توصیف می‌نماید و هدف از آن، بررسی عمیق رفتارها، عقاید و تفکرات افراد و گروه‌ها به همان صورتی است که در زندگی واقعی آن‌ها روی می‌دهد (۲۶).

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوجین متأهل دچار سرخوردگی زناشویی شهر تهران بود. نمونه‌های مورد بررسی را ۱۵ زوج مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران (مرکز مشاوره دانشگاه تهران، مرکز مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی و دو مرکز خصوصی در منطقه ۲ تهران) تشکیل داد که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند.

شرکت کنندگان پس از مصاحبه مقدماتی و تکمیل پرسش‌نامه سرخوردگی زناشویی Kayser (Marital Disaffection Scale) (۹) و تشخیص مشکل سرخوردگی زناشویی، به عنوان نمونه انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل دارا بودن حداقل سه سال زندگی مشترک، قرار نداشتن زوجین در آستانه متارکه و عدم ابتلا به اختلالات روانی و شخصیت بود. فرم رضایت از انتشار نتایج پژوهش به امضای تمامی شرکت‌کنندگان رسید و بر محرمانه بودن نام آن‌ها نیز تأکید شد. زمانی که مقوله‌های حاصل از مصاحبه به اشباع رسید و نیازی به اطلاعات بیشتر برای تبیین نبود، نمونه‌گیری به پایان رسید که تعداد نمونه‌ها در این زمان ۱۵ نفر بود.

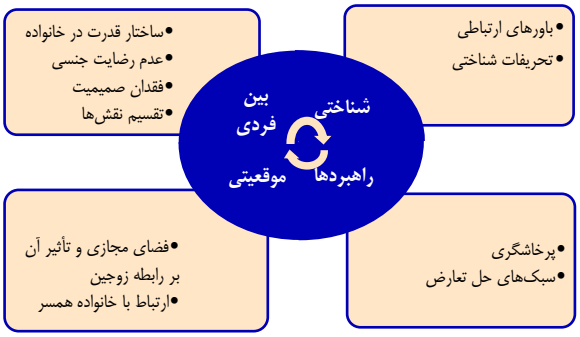
داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق (مصاحبه نیمه ساختار یافته) جمع‌آوری و با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل گردید. کدگذاری نظری روشی برای تحلیل داده‌هایی است که به روش نظریه مبنایی جمع‌آوری می‌شود. کدگذاری عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه و مفهوم‌سازی می‌شوند و به شکل

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.4.10.5]

تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (۲۷). فرایند تحلیل داده‌ها نیز بر اساس روش کدگذاری نظری به این شکل انجام گرفت که محقق ابتدا به جمع‌آوری داده‌ها از طریق چند مصاحبه اولیه پرداخت و سپس داده‌ها را تحلیل نمود تا اولین مقوله‌ها شناسایی گردد و این فرایند همچنان ادامه یافت. در نهایت، پس از انجام ۱۵ مصاحبه، اطلاعات جدید همان اطلاعات قبلی بود و اشباع نظری صورت گرفت.

یافته‌ها

در پایان فرایند کدگذاری باز و محوری، مفاهیم و مقولات استخراج گردید. پس از انجام کدگذاری گزینشی، چهار مقوله «عوامل بین فردی، راهبردها، عوامل شناختی و عوامل محیطی» به دست آمد. در شکل ۱ مدل مفهومی عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی ارایه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی از عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی

عوامل بین فردی

مقوله بین فردی از کدهای محوری «ساختار قدرت در خانواده، عدم رضایت جنسی، فقدان صمیمیت و تقسیم نقش‌ها در خانواده» تشکیل شد.

ساختار قدرت در خانواده: یکی از اصلی‌ترین مقوله‌های عوامل بین فردی می‌باشد و عدم توازن در ساختار قدرت و روابط زوجی، موجب نارضایتی و سرخوردگی نمونه‌های پژوهش شده بود که در قالب سه مقوله به صورت باز کدگذاری گردید.

سلطه‌گری: «همسرم حساسیت شدیدی نسبت به من داشت و حالت‌های کنترل و سلطه‌گری داشت و روحیاتی کاملاً مردانه داشت». «همسرم اجازه نمی‌ده با دوستانم رفت و آمد داشته باشم و مثل یه بچه با من رفتار می‌کنه».

«همسرم اجازه نمی داد خانواده من درباره تربیت فرزندمون نظری بدن و می‌گفت رفت و آمد زیاد نداشته باشیم».

بی‌توجهی و اخذ تصمیم‌های یک جانبه: «همسرم به خواسته‌های من توجهی نمی‌کرد. احساس می‌کردم وجود ندارم».

«چندین بار از همسرم خواستم وسایل خونه رو عوض کنیم، ولی گفت اینا برای خودم هست و انگار من حقی ندارم».

عدم رضایت جنسی: یکی دیگر از مقوله‌های مربوط به عوامل بین فردی بود و در قالب بی‌توجهی به ظاهر و نظافت جسمانی و سردی جنسی به صورت باز کدگذاری شد.

بی‌توجهی به ظاهر و نظافت جسمانی: «همسرم آلرژی داشت و همیشه عطسه و آبریزش بینی داشت و به نظافت فردی اهمیت نمی‌داد و باعث سردی من می‌شد».

«همسرم اکثر اوقات بوی عرق می‌داد و باعث می‌شد حتی از کنارش خوابیدن اکراه داشته باشم؛ چه برسه به رابطه جنسی...».

سردی جنسی: «همسرم دیگه به رابطه جنسی مثل قبل اهمیت نمی‌ده و انگار از سر اجباره...».

فقدان صمیمیت: این زیرمجموعه یکی از مقوله‌های عوامل بین فردی بود.

بی‌توجهی و عدم حمایت عاطفی: «همسرم ساعت‌های طولانی سرکار بود و به من بها نمی‌داد و در آن دوران احساسات من خیلی زیاد بود».

«من شرایط کاری خیلی سختی داشتم، ولی همسرم هیچ وقت به من نگفت سر کار نرو و سختی کشیدن من رو درک نکرد و براش اهمیتی نداشت».

«پسرم مریض شد و همسرم نسبت به بیماریش خیلی بی‌خیال بود و زمانی هم که من گریه می‌کردم و بهش احتیاج داشتم، همسرم پلی‌استیشن بازی می‌کرد».

عدم ارتباط و گفتگو: «همسرم تو خونه اصلاً حرف نمی‌زد و دایم سرش در گوشی بود».

«من از شدت تنهایی به قدری با خودم حرف زده بودم که گلوم درد می کرد و همیشه بغض داشتم».

«هیچ وقت نمی‌تونستیم یه گفتگوی ساده داشته باشیم. همیشه به دعوا منجر می‌شد».

نقش‌ها در خانواده اصلی: یکی از زیرمجموعه‌های عوامل بین فردی به شمار می‌رود.

وظایف و تعهدات سنگین خانوادگی: «فراموش نمی‌کنم که کار سخت بیرون رو انجام می‌دادم و بعدش باید کارهای خانه رو هم کامل انجام می‌دادم».

«دیگه خسته شدم. واقعاً شدم ماشین پول‌سازی و انگار وجود من فایده دیگه‌ای نداره».

«من هم بیرون کار می‌کنم و هم کارهای مربوط به بچه‌ها رو انجام می‌دم و هم کارهای خونه رو، ولی همسرم این فشار رو درک نمی‌کنه».

راهبردها

یکی از عوامل مؤثر در سرخوردگی زناشویی که از سوی زوجین بیان شد، راهبردهایی است که هر یک از آن‌ها در زمان بروز تعارضات مورد استفاده قرار می‌دهند که در دو مقوله به صورت محوری کدگذاری گردید.

پرخاشگری: یکی از زیرمجموعه‌های راهبردها می‌باشد.

«همسر من به شدت عصبی هست و کنترل از دستش خارج می‌شه و سر مسایل عادی خیلی عصبانی می‌شه».

«همسر من داد نمی‌زنه، اما حرف‌هایی می‌زنه که بدتر از سیلی زدنه».

سبک‌های حل تعارض: از جمله زیرمقوله‌های مربوط به راهبردها به شمار می‌رود.

سبک سلطه‌گرانه: «همسر من تو هر دعوا اسم طلاق رو می‌آورد و کاملاً کنترلش رو از دست می‌داد».

«تو هر دعوا به خانواده‌ها و همسایه‌ها تلفن می‌کرد و آبروی من رو می‌برد».

«هر اتفاقی که می‌افتاد، همسرم تمام تلاشش رو می‌کرد که حرف خودش رو به کرسی بنشونه و من دیگه بی‌تفاوت شده بودم».

سبک اجتنابی: «کوچک‌ترین اتفاقی که در خانه می‌افتاد رو بهانه می‌کرد برای قهر کردن... نه یک یا دو روز، بلکه دو ماه».

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.4.10.5]

«همسرم وقتی از چیزی ناراحت می‌شد، به روی خودش نمی‌آورد و بعد چند ماه تلافی می‌کرد».

عوامل شناختی

از دیگر مقوله‌های گزینشی به دست آمده در پژوهش حاضر است که در دو مقوله محوری «باورهای ارتباطی و تحریفات شناختی» دسته‌بندی شد.

باورهای ارتباطی: از آن جمله می‌توان به باورهای غیر منطقی پیش از ازدواج اشاره کرد. «ظاهر همسرم دلم رو زد. فکر می‌کردم می‌تونم تیپ و رفتارش رو عوض کنم».

«همسر من در یک روستا و در خانواده شلوغ بزرگ شده بود. اولا فکر می‌کردم می‌تونم تغییرش بدم».

«از ابتدا علاقه خاصی به همسرم نداشتم و همه می‌گفتند بعد از ازدواج درست می‌شه، اما نشد».

مقایسه همسر با دیگران نیز مقوله محوری دیگری بود. «زندگی خودم رو با زندگی همسران برادرهام مقایسه می‌کردم و می‌دیدم اونا هر چی بخوان می‌خرن و مهمانی‌های مجلل می‌دن، اما من ده هزار تومن رو هم به راحتی نمی‌تونم خرج کنم».

«خیلی وقت‌ها زندگی خودم رو با زندگی دوستام مقایسه می‌کنم و واقعاً از همه چیز متنفر می‌شم».

تحریفات شناختی: از جمله مقولات این محور می‌توان به انتظار ذهن‌خوانی از همسر اشاره کرد. «هر وقت به چیزی نیاز دارم حتماً باید به زبون بیارم؛ در صورتی که خودش باید بفهمه».

فاجعه‌سازی: «هر بار که بحثمون می‌شه، احساس می‌کنم همه چیز دیگه تمومه. تا چند روز نمی‌تونم بهش نگاه کنم».

عوامل موقعیتی

آخرین مقوله به دست آمده مربوط به عوامل موقعیتی می‌باشد که شامل دو مقوله «خانواده همسر و فضای مجازی و تأثیر آن بر رابطه زوجین» است.

خانواده همسر: عدم مدیریت ارتباط با خانواده همسر، یکی از زیرمجموعه‌های این مقوله است. «مادر شوهرم مدام دخالت می‌کرد و در حضور من چیزی نمی‌گفت و پنهانی به شوهرم می‌گفت و باعث دعوا می‌شد».

«همسرم کاملاً تحت تأثیر خانوادش هست و مدام از اونا طرفداری می‌کنه».

«کوچک‌ترین عضو خانواده شوهرم هم راجع به تربیت فرزندمان نظر می‌ده».

«اگر ده بار با خانواده من بیرون می‌رفتیم، من نمی‌تونستم اونا رو دعوت کنم، اما اگه یه بار با خانواده شوهرم می‌رفتیم، بار دوم من باید اونا رو دعوت می‌کردم».

«مادر شوهرم توقع داشت تمام تعطیلات رو با اونا باشیم».

فضای مجازی و تأثیر آن بر رابطه زوجین: تغییر انتظارات از جمله زیرمجموعه‌های این مقوله بود.

«از وقتی وارد دنیای مجازی شدم و بعضی مطالب و عکس‌ها رو دیدم، شروع کردم همسرم رو با اونا مقایسه کردم و سعی کردم تغییرش بدم».

«وقتی کلیپ‌های آموزشی روابط زناشویی رو می‌بینم، می‌فهمم رابطمون چقد مشکل داره، ولی تا الآن نفهمیده بودم».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی در بین زوجین ایرانی بود. نتایج نشان داد که عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی شامل چهار مقوله عوامل بین فردی (شامل زیرمقوله‌های فقدان صمیمیت، ساختار قدرت، عدم رضایت جنسی، نقش‌ها در خانواده اصلی)، راهبردها (شامل زیرمقوله‌های پرخاشگری و سبک‌های حل تعارض)، عوامل شناختی (شامل زیرمقوله‌های باورهای ارتباطی و تحریفات شناختی) و عوامل موقعیتی (شامل زیرمقوله‌های خانواده همسر و تأثیرات فضای مجازی بر رابطه زوجین) می‌باشد. تحقیقات بسیار اندکی در زمینه سرخوردگی زناشویی صورت گرفته است که در ادامه آمده است. مطالعه Kersten به این نتیجه رسید که چهار عامل «شیوه‌های نامناسب حل تعارض، وجود یک همسر کنترل‌گر، اسنادهای مکرر همسر برای مشکلات زناشویی و فقدان صمیمیت عاطفی» از عوامل مؤثر در سرخوردگی زناشویی می‌باشند (۲۰) که با نتایج بررسی حاضر همخوانی داشت. در ضمن، با یافته‌های پژوهش Kayser که عوامل مؤثر در سرخوردگی زناشویی را «رفتار کنترل‌گرانه همسر، فقدان مسؤولیت‌پذیری، فقدان خودافشایی همسر، خشونت فیزیکی همسر، امور خارج از زناشویی پاسخگو، دخالت خویشاوندان، جدایی فیزیکی (جسمی)، ارزیابی منفی از ازدواج فرد توسط افراد غریبه و بحث در مورد جدایی از همسر» می‌داند (۹)، همسو بود.

نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر با نتایج مطالعات Pines و Nunes (۱۲)، Olson و همکاران (۲۸) و Pines و همکاران (۲۵) مطابقت داشت. آن‌ها دریافتند زوج‌هایی که میزان بالاتری از صمیمیت را تجربه می‌کنند، جدا از وضعیت اقتصادی- اجتماعی، نشانگان کمتری از دلزدگی را در رابطه خود گزارش می‌کنند. در پژوهش آسوده و همکاران، عوامل موفقیت زناشویی در دستیابی به یک زندگی شاد از نظر زوجین موفق شامل صداقت و اعتماد متقابل، اعتقادات معنوی، تعامل در تصمیم‌گیری، حمایت از همدیگر و داشتن رابطه دوستانه می‌باشد (۲۹). Onsy و Amer نیز در پژوهش خود، توافق‌پذیری در ارتباطات بین فردی و رشد یافتگی در این زمینه را به عنوان عوامل اصلی رضایت زناشویی زوجین ذکر نمودند (۳۰). Pines و Nunes توافق و صداقت دوطرفه و تعامل را به عنوان اساسی‌ترین عوامل دلزدگی زناشویی مطرح کردند (۱۲).

بررسی عوامل مؤثر بر سرخوردگی نشان می‌دهد که میزان و نوع عوامل مؤثر در سرخوردگی زناشویی زوجین متنوع و متفاوت می‌باشد و در برخی خانواده‌ها عوامل زیادی تجربه شده است. بررسی عوامل مؤثر در سرخوردگی زناشویی در نمونه‌های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که عوامل بین فردی، از جمله تأثیرگذارترین عوامل در سرخوردگی زناشویی محسوب می‌شوند. یکی از مقوله‌های عوامل بین فردی، مربوط به ساختار قدرت در خانواده می‌باشد. هر گاه زوجین قادر نباشند در مورد چگونگی توزیع قدرت به توافق برسند، فردی که احساس کند از قدرت لازم برخوردار نیست، برای بهبود وضعیت خود به شیوه‌های دیگری متوسل می‌شود که سازگاری زناشویی زوجین را دچار اختلال می‌کند (۳۱). تسلط زن در رابطه زوجی نسبت به رابطه مشارکتی و تسلط مرد، رضایت کمتری را به همراه می‌آورد. البته تمایل به قدرت در تصمیم‌گیری توسط یک فرد در رابطه زناشویی و یا تصمیم‌گیری مشارکتی، به میزان زیادی تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی و میزان منابع در دسترس هر یک از افراد و همچنین، میزان درک هر یک از افراد از مسأله مورد نظر بستگی دارد (۳۲).

از دیگر مقوله‌های مربوط به عوامل بین فردی در پژوهش حاضر، صمیمیت زوجین و سرد بودن روابط جنسی می‌باشد. می‌توان اذعان داشت که صمیمیت، پایه و اساس رابطه زناشویی است و ازدواج برای تأمین این نیاز حیاتی شکل

www.mui.ac.ir
[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.4.10.5]

می‌گیرد. صمیمیت یک فرایند تعاملی گسترده می‌باشد که می‌تواند از بحث درباره جزییات زندگی تا افشای خصوصی‌ترین احساسات را در برگیرد. صمیمیت منبع قدرتمند حمایت عاطفی و روانی محسوب می‌شود و مانند یک سپر، زوجین را در برابر آسیب حمایت می‌کند (۲۸). دیگر عامل بین فردی گزارش شده توسط نمونه‌ها، سردی جنسی بود. روابط جنسی با تأثیر بر افکار و احساسات زوجین، می‌تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم روابط بین آن‌ها را در ابعاد وسیعی تحت تأثیر خود قرار دهد؛ یعنی زوجینی که در این زمینه با هم سازگاری دارند و از این بابت راضی هستند، قادر می‌باشند تا به راحتی از بسیاری از ناهماهنگی‌های زندگی خویش چشم‌پوشی کنند؛ در حالی که ناهماهنگی زندگی در زوجینی که رضایت جنسی ندارند، می‌تواند عواقب وخیمی را به وجود آورد (۳۳). نارضایتی از رابطه جنسی می‌تواند منجر به بروز مشکلات عمیق در روابط زوجین و ایجاد تنفر از همسر، دلخوری، حسادت، رقابت، حس انتقام‌گیری، احساس تحقیر، احساس عدم اعتماد به نفس و نظایر آن‌ها شود (۳۴).

در مقوله راهبردی، سبک‌های حل تعارض ناکارامد و خشونت از عوامل اصلی تجربه شده توسط مشارکت‌کنندگان بود. به میزانی که زوج‌ها در حل تعارضات خود موفق‌تر عمل می‌کنند، از همبستگی بیشتری در نظام زن و شوهری برخوردار می‌شوند و در این وضعیت از قدرت عناصر تعارض‌ساز خانواده کاسته می‌شود و زوجین به جای تعارض، به سمت تعاملات مثبت‌تر و کارسازتر حرکت می‌کنند (۳۵). توانایی برای مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل سازنده، می‌تواند ارتباطی قوی را در رابطه زوج شکل دهد و زوج‌ها را برای ایجاد یک رابطه صمیمی و نزدیک کمک نماید. روش سازنده برای رسیدگی به تعارضات در رابطه زناشویی، باعث تسهیل صمیمیت می‌شود؛ در حالی که راه‌های مخرب مقابله با تعارض ممکن است اختلال و اضطراب را در رابطه زوجین تشدید کند (۳۶). پرخاشگری مشتمل بر دو نوع مؤلفه «خراب کردن وجهه اجتماعی و کناره‌گیری عاطفی» می‌باشد. خراب کردن وجهه اجتماعی به آزار و اذیت غیر مستقیم همسر از طریق بدگویی، شایعه پراکنی، در میان گذاشتن اطلاعات خصوصی همسر با دیگران و یا فراهم نمودن امکان دخالت دیگران در جریان بحث‌ها و مشاجرات گفته می‌شود. هدف از تخریب وجهه اجتماعی، استفاده از فشار اجتماعی برای کنترل همسر قلمداد می‌شود؛ در حالی که در جریان کناره‌گیری عاطفی، یکی از همسران توجه و مهربانی را از همسرش در تلاش برای کنترل رابطه دریغ می‌کند. از جمله رفتارهای نشان دهنده کناره‌گیری عاطفی می‌توان به نادیده گرفتن همسر و عدم توجه به او، برقرار نکردن رابطه جنسی، تهدید به ترک کردن رابطه و استفاده از رفتارهای خاموش اشاره نمود (۳۷).

در مقوله عوامل شناختی، باورهای ارتباطی یکی از عوامل اصلی تجربه شده توسط شرکت‌کنندگان بود. ناخرسندی و اختلال در رابطه، در واقع از باورهای ارتباطی غیر واقع‌بینانه نشأت می‌گیرد که به دنبال آن، دسته‌ای از نیازها و تقاضاهای غیر عقلانی به وجود می‌آید که زن و شوهر نه تنها از یکدیگر، بلکه از خود و ازدواجشان دارند (۳۸). از آن‌جا که تفکر ناکارامد و باورهای غیر منطقی درباره موقعیت‌های بالقوه منفی، موجب بروز عواطف منفی، تعارضات و تعاملات منفی بین زوجین می‌شود، می‌تواند در ابراز عشق مزاحمت ایجاد کند و منجر به دلزدگی گردد. باور مربوط به تغییرناپذیری همسر نیز به طور ضمنی به درماندگی فرد مرتبط است و در چنین حالتی فرد اغلب هیچ عملی برای تغییر وضعیت انجام نمی‌دهد و در یک حالت درمانده باقی می‌ماند و داشتن کمال‌گرایی نیز می‌تواند فرد را نسبت به ارزیابی‌های شریک زندگی خود نگران کند و باعث تشدید اضطراب در فرد شود که همه این عوامل می‌تواند سرخوردگی زناشویی را توجیه نماید (۳۹).

در مقوله عوامل موقعیتی، فضای مجازی و خوراک آن در قالب مقایسه همسر و تغییر انتظارات، اصلی‌ترین عامل تجربه شده توسط مشارکت‌کنندگان بود. افراد با انتظارات خاصی وارد زندگی زناشویی می‌شوند که با مشاهده برآورده نشدن آن‌ها، اثر دومینویی تخریب بر ابعاد مختلف زندگی زناشویی شروع می‌شود و به مرور روابط بین آن‌ها مختل می‌گردد. این انتظارات و تغییر آن‌ها به شدت تحت تأثیر عوامل محیطی فرد قرار دارد (۴۰).

در پایان اشاره به این نکته ضروری است، از آن‌جا که سرخوردگی زناشویی برای زوجین ناشی از عوامل متفاوت و گوناگونی بود، لازم است در درمان سرخوردگی زناشویی به این تفاوت‌ها توجه شود. نتایج مطالعه حاضر می‌تواند در انتخاب راهکارهای درمانی مناسب از سوی درمانگران مورد استفاده قرار گیرد. گستردگی ابعاد سرخوردگی زناشویی و درآمیختگی آن با ابعاد مختلف زندگی زناشویی، از جمله محدودیت‌های تحقیق حاضر بود.

سپاسگزاری

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه مقطع دکتری مشاوره خانواده می‌باشد. بدین وسیله از کلیه زوجین شرکت‌کننده و مراکز مشاوره که در انجام این مطالعه همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

1. Yaghotian M, Slimanian AA, Bakhshi M. The effects of relationship enhancement on the couple burnout decline of parents with visually impaired children. Journal of Exceptional Education 2015; 5(133): 28-33. [In Persian].
2. Ramos Salazar L. The negative reciprocity process in marital relationships: A literature review. Aggress Violent Behav 2015; 24: 113-9.
3. Esere MO, Yeyeodu A, Oladun C. Obstacles and suggested solutions to effective communication in marriage as expressed by married adults in Kogi state, Nigeria. Procedia - Social and Behavioral Sciences 2014; 114: 584-92.
4. Koolaee AK, Adibrad N, Sedgh Poor BS. The comparison of relationship beliefs and couples burnout in women who apply for divorce and women who want to continue their marital life. Iran J Psychiatry 2010; 5(1): 35-9. [In Persian].
5. Pirfalak M, Sodani M, Shafiabadi A. The efficacy of group cognitive-behavioral couple's therapy (GCBCT) on the decrease of couple burnout. Family Counsel and Psychotherapy 2014; 4(2): 247-69.
6. Pinez A. How we should do that our dream love doesn't lead to fed up. Trans. Shadab F. Tehran, Iran: Qoqnoos Publications; 2002. [In Persian].
7. Robinson BE, Flowers C, Ng KM. The relationship between workaholism and marital disaffection: Husbands' perspective. Fam J 2006; 14(3): 213-20.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.4.10.5]

8. Karimi P, Karami J, Dehghan F. Relationship between attachment styles and conflict resolution styles and married employee's marital burnout. Journal of Women and Society 2015; 5(4): 53-70. [In Persian].
9. Kayser K. When Love Dies: The process of marital disaffection. New York, NY: Guilford Press; 1993.
10. Niehuis S, Bartell D. The marital disillusionment scale: Development and psychometric properties. N Am J Psychol 2006; 8(1): 69-83.
11. Koohi S, Etemadi O, Fatehizadeh M. The relationship between personality characteristics, general health, contextual factors, and marital dissatisfaction of couples. Researches of Cognitive and Behavioral Science 2014; 4(1): 71-84. [In Persian].
12. Pines AM, Nunes R. The relationship between career and couple burnout: Implications for career and couple counseling. J Employ Couns 2003; 40(2): 50-64.
13. Babaei Givi R, Nazari AM, Mohsenzadeh F. Comparison of psychological well-being and marital burnout and their dimensions among employed and unemployed woman. Sociology of Women 2016; 7(1): 163-80. [In Persian].
14. Pines AM, Keinan G. Stress and burnout: The significant difference. Pers Individ Dif 2005; 39(3): 625-35.
15. Gorkin M. The four stages of burnout [Online]. [cited 2009]; Available from: URL: http://www.stressdoc.com/four_stages_burnbout.htm. [In Persian].
16. Huston TL. What's love got to do with it? Why some marriages succeed and others fail. Pers Relatsh 2009; 16(3): 301-27.
17. Adams B. Athletic training education program director burnout: Contributing factors [PhD Thesis]. Dayton, OH: University of Dayton; 2009. [In Persian].
18. Kouhi S. The predictive factors of marital frustration in the couples in Isfahan [MSc Thesis]. Isfahan, Iran: University of Isfahan; 2009. [In Persian].
19. Sirin HD, Deniz ME. The effect of the family training program on married women's couple-burnout levels. Educ Sci Theory Pract 2016; 16(5): 1563-85. [In Persian].
20. Kersten KK. The process of marital disaffection: Interventions at various stages. Fam Relat 1990; 39(3): 257-65.
21. Parker R. Marital disaffection pathways to relationship dissolution. Family Relationships Quarterly 2006; 6: 13-25.
22. Kebritchi A, Mohammadkhani S. The role of marital burnout and early maladaptive schemas in marital satisfaction between young couples. Int J Med Res Health Sci 2016; 5(12): 239-46.
23. Capri B, Gokcakan Z. Gender differences in predicting of couple burnout. Trakya University Journal of Education 2012; 2(2): 35-53.
24. Pamuk M, Durmu E. Investigation of burnout in marriage. J Hum Sci 2015; 12(1): 162-77.
25. Pines AM, Neal MB, Hammer LB, Icekson T. Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwiched generation. Soc Psychol Q 2011; 74(4): 361-86.
26. Bastani S, Golzari M, Rowshani SH. Emotional divorce and strategies to face it. Journal of Family Research 2011; 7(2): 241-57. [In Persian].
27. Flick U. An introduction to qualitative research. Thousand Oaks, CA: SAGE; 2014.
28. Olson DH, Larson PJ, Olson-Sigg A. Couple checkup: Tuning up relationships. J Couple Relatsh Ther 2009; 8(2): 129-42.
29. Asoodeh MH, Khalili S, Daneshpour M, Lavasani MG. Factors of successful marriage: Accounts from self described happy couples. Procedia Soc Behav Sci 2010; 5: 2042-6.
30. Onsy E, Amer MM. Attitudes toward seeking couples counseling among Egyptian couples: Towards a deeper understanding of common marital conflicts and marital satisfaction. Procedia Soc Behav Sci 2014; 140: 470-5.
31. Khakpour I, Nazari AM, Zahra Kar K. The Prediction of marital adjustment based on triangulation and structure of power in a family. Iran J Psychiatry Clin Psychol 2014; 9(33): 37-46. [In Persian].
32. Kulik L. Explaining the sense of family coherence among husbands and wives: The Israeli case. J Soc Psychol 2009; 149(6): 627-47.
33. Shakarami M, Zahrakar K, Mohsenzadeh F. Mediating role of conflict resolution styles on the relation between sexual satisfaction and interpersonal cognitive distortions with marital commitment. Journal of Research in Psychological Health 2014; 8(2): 51-60. [In Persian].
34. Ashdown BK, Hackathorn J, Clark EM. In and out of the bedroom: Sexual satisfaction in the marital relationship. Journal of Integrated Social Sciences 2011; 2(1): 40-57.
35. Dildar S, Sitwat A, Yasin S. Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. Middle East J Sci Res 2013; 15(10): 1433-9.
36. Somohano VC. Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships [MSc Thesis]. Arcata, CA: Humboldt State University. 2013.
37. Clifford CE. Attachment and covert relational aggression in marriage with shame as a potential moderating variable: A two wave panel study [MSc Thesis]. Provo, UT: Brigham Young University; 2013.
38. Seydi NS, Nazari AM, Ebrahimi M. The role of communication and spiritual beliefs in marital happiness. Counseling Culture and Psychotherapy 2016; 6(24): 111-30. [In Persian].
39. Basharpoor S, Mohammadi N, SadeghiVelni Z. The role of emotional control and relational beliefs in predicting couple burnout. Social Psychology Research 2015; 5(17): 52-65. [In Persian].
40. Mousavi SF, Dehshiri G. The role of discrepancy between expectations and reality of marital relationship in marital satisfaction of married people in Tehran. Womens Studies (Sociological & Psychological) 2015; 13(2): 93-110. [In Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.4.10.5]

The Factors Affecting the Marriage Disaffection among Iranian Couples in Iran: A Qualitative Study

Negar Bahmani[1], Ozra Etemadi[2], Seyyed Ahmad Ahmadi[3], Maryam Fatehizade[2]

Original Article

Abstract

Aim and Background: The marital disaffection seems to be the last step in marital relationships. Therefore, study of the effective factors on this variable is important. The purpose of this study was to review the factors affecting marital disaffection among Iranian couples.

Methods and Materials: This research was fundamental in terms of objective, and a qualitative plan of the grounded theory type in terms of method. Statistical population of the study included married women and men in Tehran City, Iran. The required information was collected through a targeted sampling method from 15 people who had marital disaffection, and was continued till saturation of data. Research tools were a semi-structured deep interviewed and the information was analyzed using theoretical coding.

Findings: After analysis of interviews, the factors affecting marital disaffection were classified based on selective coding in four categories of interpersonal factors (lack of intimacy, structure of power, sexual dissatisfaction, and roles in the main family), strategies (aggression, and conflict resolution styles), cognitive factors (communication beliefs, and cognitive distortions), and situational factors (spouse's family, and the effects of virtual space on the couple's relation).

Conclusions: On this basis, we could conclude that couples' marital disaffection is affected by the various contextual, intervention, psychological, and personality factors. Therefore, when counselling and treating couples with marital disaffection, attention to the various factors of marital disaffection is essential and this research could be a suitable guide for therapists to provide proper interventions for couples suffering frustration.

Keywords: Marital disaffection, Couples, Qualitative research, Iran

Citation: Bahmani N, Etemadi O, Ahmadi SA, Fatehizade M. **The Factors Affecting the Marriage Disaffection among Iranian Couples in Iran: A Qualitative Study.** J Res Behav Sci 2018; 15(4): 467-73.

Received: 25.08.2017 Accepted: 03.11.2017

1- PhD Student, Department of Counseling, School of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran
2- Associate Professor, Department of Counseling, School of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran
3- Professor, Department of Counseling, School of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Corresponding Author: Ozra Etemadi, Email: o.etemadi@edu.ui.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1396.15.4.10.5]